

گفتگو با کارگردان سرهنگ ثریا؛

## ثب روایتی مادرانه

سارا بقایی

### تاکیدم بر حضور همه مادران بود

کارگردان فیلم سینمایی سرهنگ ثریا با اشاره به انتخاب این سوژه برای ساخت فیلم اولش می‌گوید: واقعیت این است که به گفته خیلی‌ها انتخاب این سوژه و آوردنش در قاب سینما جسارت می‌خواست. ما انتخاب کردیم که در شرایط سخت آب و هوایی و محیط خشن تاریخی را که خیلی هم مغفول مانده است، فیلمبرداری کنیم. واقعا فکر نکردم که چه شد که من این فیلم را ساختم اما خدا خیلی کمک کرد و حال مادران کمپ آزادی بسیار به من انگیزه می‌داد.

عاج با تاکید بر همراهی مادران این فرزندان در بند اضافه می‌کند: من مادران بسیاری را می‌دیدم و محال بود با مادران صحبت کنم و چشم‌های ما پر از اشک نشود و آه عمیق نکشیم. آن قدر این مادران به من زنگ می‌زدند و می‌گفتند دعایت می‌کنیم و باید بگویم که بزرگترین منبع ما در ساخت این فیلم مادری بودند که دوست داشتند این قصه گفته شود. این کارگردان در پایان تاکید می‌کند: برایم مهم بود که مادران از شهرهای مختلف در این فیلم حضور داشته باشند. من از زمانی که با آن‌ها در ارتباط بودم و با خیلی‌ها در پروسه تحقیق صحبت کردم، دوست داشتم آن‌ها هم حضور داشته باشند. حال و هوای مختلفی هم داشتند و این تنوع آوایی و زبانی هم در فیلم ایجاد کرد؛ حتی گریه‌ها و ناله‌هاشان هم متفاوت بود و فیلم را عمیق می‌کرد.

یکی از ترازیک‌ترین پدیده‌ها در تاریخ معاصر ایران هم بی‌تردید شکل‌گیری جریان منافقین و آسیب‌های بی‌وقفه و عمیق این گروهک منحوس به مردم ایران است. طی دهه ۹۰ کارگردانان مختلفی در سینما سراغ بازخوانی تاریخچه فعالیت‌های این گروهک و ریشه‌های عمیق انحرافات فکری آن‌ها رفته‌اند که آثاری همچون «ماجرای نیمروز»، «سیانور» و «امکان مینا» را می‌توان در همین دسته از تولیدات قرار داد. «سرهنگ ثریا» به کارگردانی لیلی عاج حالا سراغ وجه دیگری از پلیدی این جریان رفته و ماجرای خانواده جوانانی را به تصویر درآورده است که ناخواسته، اسیر این گروهک شده‌اند. گفتگو با لیلی عاج را در ادامه می‌خوانید.

### آغاز روایت

لیلی عاج کارگردان فیلم سینمایی سرهنگ ثریا درباره سوژه این فیلم می‌گوید: ماجرای ساخت سرهنگ ثریا داستانی چند ساله است و از نگارش یک نمایش نامه شروع شد. انتشارات نمایش به من پیشنهاد داد که درباره تاریخ معاصر نمایشنامه‌ای بنویسم. مانند بسیاری از نویسندگان، اولین چیزی که به ذهنم رسید رجوع به دوران کودکی و خاطرات آن دوره بود که همیشه با من همراه هستند. پدر و مادرم اهل گیلانغرب هستند و کودکی من در این منطقه غربی کشور گذشت. در عملیات مرصاد خاطراتی اتفاق افتاد که برای من دراماتیک بود و اصل موضوع به پدر بزرگی برمی‌گشت که به کوه پناه برده و گم شده بود. این کارگردان ادامه می‌دهد: موضوع مرصاد همیشه با من همراه بود تا اینکه بعد از مدتی به صورت اتفاقی عکسی را از مادری دیدم که چسبیده به سیم خاردار با عکس‌های بچه‌هاشان ایستاده‌اند. گفتم این میعادگاه من است. با خودم می‌گفتم فقط مادر می‌تواند اینجا و در این شرایط بماند. در نمایشنامه‌ای که نوشتم، همه خانواده برای دیدار با فرزندانشان حضور داشتند اما در فیلم سینمایی سرهنگ ثریا تاکید روی مادر است.

من مادران بسیاری را می‌دیدم و محال بود با مادران صحبت کنم و چشم‌های ما پر از اشک نشود و آه عمیق نکشیم. آن قدر این مادران به من زنگ می‌زدند و می‌گفتند دعایت می‌کنیم و باید بگویم که بزرگترین منبع ما در ساخت این فیلم مادری بودند که دوست داشتند این قصه گفته شود

### مادری که به نسیم‌های خاردار چسبیده‌اند

این کارگردان سینما و تئاتر با اشاره به پروسه تحقیق و دیدار با مادری که فرزندانشان به صورت گروگان در سازمان منافقین مانده‌اند می‌گوید: ما در این پروسه تحقیق مادری را داریم که فرزندش ۴۰ سال اسیر فرقه منافقین بوده است و من می‌زبان او در تحقیق میدانی بودم. همان‌طور که اشاره کردم وقتی درباره سازمان مجاهدین جستجو می‌کردم، مادری را دیدم در کنار سیم خاردارها که بسیار تأثیرگذار بود. کم‌کم مراحل تحقیق را انجام دادم و با ثریا عبداللهی که یکی از همین مادرها بود، آشنا شدم و فیلم «سرهنگ ثریا» شکل گرفت. وی با تاکید بر اینکه مادر، انتظار و فرزند سه کلیدواژه فراجاهانی هستند و برای همه جهان این فیلم می‌تواند نمایش داده شود، می‌افزاید: حتی نمایشی که از این کار تولید شد هم با استقبال مخاطب روبه‌رو بود و دلیل اصلی آن سوژه فراجاهانی آن است. من نسخه دیگری از این قصه را در تئاتر روی صحنه بردم به عنوان بابا آدم که استقبال خوبی هم از آن شد. البته جزئیاتی از آن نمایش با سینما تفاوت‌هایی داشت هم در بحث مدیوم و هم داستان که شخصیت اصلی آنجا مرد بود و اینجا مادر است.

